



کنکاشی در اندیشه‌ی دفاعی امام خمینی

محمود اصغری



چکیده

آن چه که در اندیشه‌ی دفاعی امام خمینی علیه السلام بسیار حائز اهمیت است، تلفیق آرمان‌گرایی با واقع‌گرایی است، که برگرفته از اعتقاد و باور ایشان به اسلام و آموزه‌های اسلامی است.

امام خمینی علیه السلام، در عین وفاداری به آرمان‌ها در دفاع از اسلام و ارزش‌های اسلامی، آن چنان واقع‌گرایانه به رویدادهای اجتماعی می‌نگرد که گویا یک مشاهده‌گر تجربه‌گرا آنها را ردیابی می‌کند.

در واقع امام علیه السلام بالاترین اهتمام خود را بر آن نهادند که با حفظ آرمان‌های بلند اسلامی، شرایط سیاسی زمانه را با تمام پیچیدگی‌های خود دریابند و بر اساس شیوه‌هایی نو، راهی برای تحقق آرمان‌ها بیابند.

نویسنده بر این باور است که آن چه که نقطه‌ی تمایز اندیشه‌ی دفاعی امام خمینی علیه السلام را تشکیل می‌دهد تلفیق آرمان‌گرایی با واقع‌گرایی است که

توانست در دوران انقلاب اسلامی، به ویژه در دوران هشت سال دفاع مقدس، کارآمدی خود را به خوبی به اثبات برساند؛ تا جایی که به تعبیر خودشان «ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پر بار اسلامی‌مان را محکم کردیم». **واژگان کلیدی:** امام خمینی ره، دفاع، آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی، مقاومت، مبارزه، ایران.

مقدمه

نهضت کم نظیری را که امام ره رهبری کرد و آن را به پیروزی رساند، رستاخیز بزرگی بود که ذهن و زندگی بخش قابل توجهی از انسان‌های این عصر و زمانه را در برگرفت و امواج خروشان طوفانی که از ایران اسلامی برخاست، از یکسو، صخره‌های پندار محافظان نظم نوین حاکم بر جهان امروز را لرزاند و از سوی دیگر، دریای دل‌فسرده‌ی محرومان و تحقیرشدگان تاریخ را به تلاطم واداشت. طبیعی است که دوستی‌ها و دشمنی‌ها نسبت به سلسله جنبان این نهضت و میراث او، که جمهوری اسلامی است، به بزرگی خود نهضت باشد. جنگ تحمیلی عراق علیه نظام اسلامی ایران، که در واقع تهاجم شرق و غرب را علیه این نظام در پی داشت، بیان‌گر همین معناست.

پرسش‌های اصلی متن، که مرکز ثقل این پژوهش را تشکیل می‌دهد، عبارتند از این که: «امام خمینی ره چه روشی را برای دفاع از آرمان‌های مقدس خود، که همان دفاع از آرمان‌های مقدس اسلامی است، در دوران جنگ تحمیلی برگزیدند؟؛ منابع و مبانی این اندیشه‌ی دفاعی چیست؟؛ و از چه راهبردهایی برای دستیابی به هدف بهره‌گرفتند؟».

نویسنده بر این باور است که انتخاب رویکرد دینی در دفاع توسط امام خمینی ره آزمونی عینی بود در کارآمدی تلفیق آرمان‌گرایی با واقع‌گرایی به عنوان مظهر نو اندیشی در فرایند تاریخی حرکت‌های احیاگرانه جهان در عصر کنونی. از این رو، ضرورت ایجاب می‌کند تا میراث عظیم فکری، عملی دفاعی این شخصیت عظیم به نسل حاضر و آیندگانی که از پی خواهند آمد منتقل شود. این نوشتار در دو بخش به این مهم خواهد پرداخت.



بخش اول: ماهیت، ایده و هدف ماهیت دفاع

دفاع در اندیشه‌ی امام خمینی علیه السلام ماهیتی الهی و انسانی دارد. بدین جهت است که به تعبیر ایشان «حضور توده‌ی مردم در صحنه‌ی جهاد و دفاع در جهت اطاعت خدا» مطرح است (امام خمینی، بی تا، ۲۴). در راستای چنین برداشتی از ماهیت دفاع است که پیروزی‌های به دست آمده در میدان نبرد با دشمن در هشت سال دفاع مقدس را از جانب خدای سبحان دانسته و می‌گوید:

بارالها جوانان رزمنده‌ی ایران فتح را از تو می‌دانند و به قدرت خویش مغرور نیستند و اگر غرور و سرفرازی هست، تو نازل فرمودی و رعب و وحشت را در قلوب دشمنان آنان که دشمنان اسلام‌اند انداختی (صحیفه‌ی نور، ۱۳۶۹، ج ۱۶، ۱۰۰).

بر این مبنا، به اعتقاد وی «این جنگ تحمیلی شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهنای جهان منتشر نمود» (همان، ج ۱۶، ۱۰۱).

مبنای دیدگاه امام

مبنای دیدگاه امام خمینی علیه السلام در برداشت چنین مفهومی از ماهیت دفاع، که در بینش اسلامی قسمی از جهاد به شمار می‌آید، را باید برخاسته از آیات و روایات و سیره‌ی عملی معصومین علیهم السلام دانست.

آیات؛ قرآن کریم در آیات متعددی از جمله آیه‌ی ۷۶ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ...»؛ در آیه‌ی ۷۵ همین سوره «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...»؛ همچنین در آیه‌ی ۱۱۱ سوره‌ی توبه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ...»، تصریح بر ماهیت جهاد، که «فی سبیل الله» باشد، نموده است.

احادیث و روایات؛ احادیث و روایات اهل بیت علیهم السلام نیز تصریح بر ماهیت الهی جهاد دارد، که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «خیر الناس رجل حبس نفسه فی سبیل الله یجاهد اعداءه یتمس الموت او القتل فی مصافه» (نوری، ۱۳۸۳، ج ۱۱، ۱۷)؛

بهترین مردمان مردی است که خود را وقف راه خدا کرده است و با دشمنان او جهاد می‌کند و خواستار مرگ یا کشته شدن در میدان کارزار است.

در بیانی از امام علی علیه السلام نیز این چنین آمده است: «ان الله كتب القتل علی قوم و الموت علی آخرین، و کل آتیه منیته کما كتب الله له فطوبی للمجاهدین فی سبيله، و المقتولین فی طاعته» (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ هـ، ج ۳، ۱۸۴)؛ خداوند برای گروهی کشته شدن در راه خودش را قرار داده و برای گروهی دیگر مرگ طبیعی را، و هر گروه آن چه را که مقدر اوست به آن خواهد رسید؛ پس خوشا به حال مجاهدان در راه او و کشته شدگان مسیر طاعتش.

سیره‌ی معصومین علیهم السلام؛ آن چه که از سیره‌ی اهل بیت علیهم السلام به دست می‌آید، این است که آنان هیچ کاری را جز برای رضای خدا و در راه اطاعت از او انجام نمی‌دادند. اولیای دین برای جهاد در راه خدا و دفاع از ارزش‌های الهی سر از پا نمی‌شناختند و حتی آرزوی برگشت دوباره‌ی به دنیا را پس از کشته شدن در راه خدا طلب می‌کردند. نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، خود در این باره چنین می‌فرماید: «لو ودت انی اغزو فی سبیل الله فاقتل، ثم اغزو فاقتل، ثم اغزو فاقتل»؛ دوست دارم که در راه خدا جهاد کنم تا کشته شوم، باز هم جهاد کنم تا کشته شوم، همچنان جهاد کنم و کشته شوم.

امام مجتبی علیه السلام، در حدیثی در این باره می‌فرماید: «لقد حدثنی حبیبی جدی رسول الله صلی الله علیه و آله ان الامر یملکه اثنا عشر اماماً من اهل بینه و صفوته، ما منا الا مقتول او مسموم» (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۲۷، ۲۱۴)؛ جد محبوبم رسول خدا صلی الله علیه و آله برای من چنین گفته است که دوازده نفر از اهل بیت و برگزیدگان خاندانش امر پیشوایی امت را به عهده می‌گیرند، همه‌ی ما به وسیله‌ی شمشیر یا سم کشته خواهیم شد. بر همین مناسبت که امام خمینی رحمته الله علیه، در اعلامیه‌ای که در چهلمین روز شهادت شهدای تهران در بیستم مهر ماه پنجاه و هفت صادر نمودند، دادن خون در راه خدا و اسلام را تأسی و پیروی از سیره‌ی معصومین علیهم السلام دانسته و می‌فرماید:

خواهران و برادران عزیز، صبور باشید و سستی و ضعف از خود نشان ندهید، راه شما راه خدا و اولیای خداست، خون شما در راهی می‌ریزد که خون پیامبران و امامان علیهم السلام و اصحاب صلاحیت‌دار آنان ریخته شده است، شما به آنان می‌پیوندید و این، نه تنها غم ندارد که شادی‌آور است (صحیفه‌ی نور، ج ۲، ۱۴۳).

ایده و تفکر

رهیافت آرمان گرایانه

ایده و تفکر امام خمینی علیه السلام برگرفته از مکتب دفاعی الهی اسلام است، که ساختار و دکرترین آن را عاشورایی اندیشیدن شکل می دهد. از این رو، معیار پیروزی و شکست، انجام تکلیف است؛ بدین معنی که اگر به تکلیف عمل شود، پیروزی به دست آمده است و اگر به تکلیف عمل نشود، ولو در ظاهر پیروزی به دست آمده باشد، اما در واقع شکست است. بنابراین معیار پیروزی، ادای تکلیف است. بدین جهت است که امام خمینی علیه السلام معتقد است «ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده ایم که برای ادای تکلیف جنگیده ایم و نتیجه فرع آن بوده است» (صحیفه ی نور، ج ۲۱، ۱۰۲-۸۸).

ایشان مبنای چنین ایده و تفکر آرمانی را سیره ی انبیا و معصومین علیهم السلام دانسته و می فرماید:

اگر همه ی انبیا و معصومین علیهم السلام در زمان و مکان خود مکلف به نتیجه بودند، هرگز نمی بایست از فضای توانایی عمل خود فراتر بروند و سخن بگویند و از اهداف کلی و بلند مدتی که هرگز در حیات ظاهری آنان جامه ی عمل نبوشیده است ذکری به میان آورند (همان).

هدف؛ براساس چنین رهیافتی است که ایمان و اعتقاد به اسلام، و دفاع از ارزش های آن، مهم ترین هدفی است که پایه و اساس دفاع را در نگرش امام علیه السلام نسبت به هدف از آن شکل می دهد. خود در این باره می فرماید:

جهاد اسلام مبارزه با شرکها و بی عفتی ها و چپاولها و بیدادگری هاست. در راستای چنین بینشی نسبت به هدف از دفاع و جهاد در راه خداست که می فرماید:

جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد (صحیفه ی امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ۲۸۴).

امام خمینی علیه السلام، در مقایسه ی بین هدف در جنگ و جهاد در اسلام با آن چه که در جنگ های فاقد ماهیت الهی در جهان وجود دارد، می فرماید:

جنگ جهانیان برای راه انداختن شهوت و لذت حیوانی است، گو این که

کشورها پایمال شوند و خانواده‌ها بی‌سامان گردند (همان).

از منظر امام هدف جنگ‌ها انسان‌ها هستند. اگر این انسان که خود هدف است، خود را درک کند، می‌تواند در مقابل جنگ‌ها که برای تحمیل اراده بر او به وجود آمده‌اند، ایستادگی نماید.

امام علیه السلام، با بهره‌گیری از جریان عاشورا، به خوبی به تبیین این مطلب می‌پردازد و چنین نتیجه می‌گیرد که اگر چه به ظاهر سپاه بنی‌امیه در جریان کربلا پیروز شدند، ولی هرگز نتوانستند اراده‌شان را بر اصحاب و یاران ابی‌عبدالله علیه السلام تحمیل کنند. در نتیجه پیروز واقعی در آن میدان، یاران سالار شهیدان شدند.

بهره‌گیری از رهیافت آرمان‌گرایانه

با وجود آن که یکی از آثار و پیامدهای هر جنگ و نبردی، آن هم در طولانی مدت، مشکلات اخلاقی و اجتماعی آن است، امام خمینی علیه السلام بر مبنای همان رهیافت آرمان‌گرایانه توانست میدان نبرد را میدان سازندگی روحی و معنوی رزمندگان قرار دهد؛ به گونه‌ای که افراد با شرایط مختلف و سوابق گوناگون به محض ورود به جبهه و حضور در جمع رزمندگان دچار یک انقلاب روحی و رفتاری می‌شدند.

در واقع رزمندگانی که از چنین بینش عظیمی بر مبنای تعالیم امام خمینی علیه السلام بهره گرفتند، از مصادیق مجاهدانی گردیدند که علی علیه السلام در وصف آنان می‌فرماید: «... حملوا بصائرهم علی اسیافهم، و دانوا لربهم بامر و اعظهم» (دستی، ۱۳۷۹، ۲۷۶)؛ آگاهی و بینش خود را بر شمشیرهای خود حمل کردند و به امر و اعط و پند دهنده‌ی خود به پرستش پروردگار خویش پرداختند.

امام خمینی علیه السلام با درک چنین حقیقت و واقعیتی از دست‌یابی رزمندگان به ایمان والا و کامل در میدان نبرد با دشمن متجاوز، در توصیف آنان می‌فرماید: این ایمان است که این‌ها را این‌طور کرده، آن پاسدار و آن ارتشی که در سنگر خودش نماز شب بخواند، این ارتشی مثل شیر مقاومت می‌کند، برای این که برای خداست (صحیفه‌ی نور، ج ۱۷، ۱۱۴).

این ایمان است که سرباز را و هر کس دیگر را، حتی در خلوت و تنهایی، از خیانت به کشور و هم‌میهنان باز می‌دارد. ایمان به خداست که روح شجاعت و

شهامت به بشر می‌دهد. ایمان به آن جهان و سعادت آن است که انسان را تادم مرگ با پشتکار خستگی ناپذیر و دلگرمی برای خدمت به برادران خود حاضر می‌کند.

و خلاصه این که: «آنچه برای این جانب غرورانگیز و افتخارآفرین است، روحیه‌ی بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت طلبی این عزیزان، که سربازان حقیقی ولی‌الله الاعظم ارواحنا فداه هستند، می‌باشد و این است فتح‌الفتوح» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۵، ۲۳۵).

نتیجه‌گیری

بر مبنای آن چه در این بخش گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت که امام علیه السلام در مقام دین‌شناس، اسلام‌شناس و فقیه شیعی، از منظر دین به دفاع می‌نگرد و با زبان دین آن را تعریف و حد و مرز آن را مشخص می‌کند، و از آن به عنوان یکی از تکالیف الهی نام برده که همچون دیگر تکالیف، ثواب و عقاب الهی نیز بر آن مترتب است. بر مبنای رویکرد دینی در دفاع است که می‌فرماید:

آنهایی که در این چند سال مبارزه و جنگ، به هر دلیل، از ادای تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده‌اند، مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره رفته‌اند و زیان و ضرر بزرگی کرده‌اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه‌ی حق خواهند کشید (صحیفه‌ی نور، ج ۲۰، ۳۴۰).

بخش دوم: راهبردهای اساسی برای دستیابی به هدف

رهیافت واقع‌گرایانه

در بعد داخلی

بازنگری در استراتژی دفاعی؛ تشکیل بسیج

پیروزی انقلاب اسلامی، در کنار پیامدهای گسترده‌ای که در سطوح ملی و منطقه‌ای و جهانی پدید آورد، از زاویه‌ی بازنگری در الگو و نظام دفاعی کشور، ضرورت‌های نوینی را پیش کشید. راهبرد فراگیری که از منظر امام خمینی علیه السلام بیش از هر چیز بهره‌گیری از توانمندی‌های بومی و درون‌زا را مد نظر داشت، توجه و

تأکید بر الگوی نقش آفرینی مردمی بر محور بسیج عمومی در عرصه‌ی صیانت از کیان اسلام و انقلاب بود.

امام خمینی علیه السلام در اولین بیان صریح در باب دفاع همه جانبه، بلافاصله بعد از اشاره به این راهبرد، سخن از بسیج می‌گوید و معتقد است:

اگر بر کشوری ندای دلنشین تفکر بسیجی طنین اندازد، چشم طمع دشمنان و

جهان خواران از آن دور خواهد گردید و الا هر لحظه باید منتظر حادثه

باشیم (ر.ک. به: صحیفه‌ی نور، ج ۲۱، ۵۲).

ایشان در چارچوب ضرورت هماهنگی و ارتباط میان نیروهای مسلح و مردم، همواره بر ریشه یابی بسیج در بطن توده‌های مردمی پافشاری می‌کرد. زیرا این وضعیت را نقطه‌ی آغازین و شرط لازم شکل‌گیری و تقویت روحیه‌ی ملی برای فداکاری در مسیر آرمان‌های بلند جامعه می‌دانست؛ زیرا باور داشت «ارتش بیست میلیونی و بسیج عمومی، که با سازماندهی خود ملت مجهز می‌شوند، آماده‌ی فداکاری در اسلام و کشور است» (ر.ک. به: صحیفه‌ی نور ج ۱۳، ۸۰-۸۴).

در بعد خارجی

۱) وحدت امت اسلامی

نگاهی هر چند گذرا به تاریخ اسلام، به ویژه در دوران معاصر، نشان دهنده‌ی آن است که دشمنان اسلام همیشه از اتحاد و اتفاق مسلمانان ناخرسند و در نتیجه سعی در تفرقه و ایجاد تشتت در بین آنها را داشته و دارند.

در صورت تحقق اتحاد مسلمین هیچ قدرتی یارای برابری با مسلمانان را نخواهد داشت و در آن صورت است که سرزمین‌های اسلامی نیز مصون از یورش قدرت‌های سلطه‌گر خواهد بود. به تعبیر امام خمینی علیه السلام:

... اگر مسلمین و دولت‌های اسلامی با هم آن پیوند اخوتی که خدای تبارک و تعالی در قرآن فرموده است حفظ کنند، نه افغانستان مورد هجوم واقع می‌شود و نه فلسطین مورد حمله واقع می‌شود و نه سایر کشورها... (صحیفه‌ی

نور، ۱۳۶۱، ج ۱۵، ۲۷۱).

وحدت امت اسلامی از جمله راه‌بردهای اساسی از نظر امام خمینی علیه السلام برای

دست‌یابی به اهداف مشارکت و همکاری ملت‌های مسلمان، به ویژه سران آنان، در جهت حل مشکلات مبتلابه جهان اسلام است. از این رو، حتی دولت‌های تحت سلطه و چنبره‌ی قدرت‌های بزرگ را به قطع وابستگی فراخوانده و کنگره‌ی عظیم حج را محل مناسبی برای بحث و مذاکره و گفتگو برای این مهم می‌داند:

منافع جهان خواران ایجاب می‌کند که هیچ کس حق گفتن کلمه‌ای که بوی تضعیف آنان را بدهد یا خواب راحت آنان را آشفته کند ندارد (صحیفه‌ی نور، ج ۲۰، ۲۳۰).

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیل هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد (صحیفه‌ی امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ۹۱).

۲) بسیج محرومان و مستضعفان الف - در جهان اسلام

اهتمام بر ضرورت ایفای نقش مسلمانان در صحنه‌ی دفاع و دفع تهدید نسبت به مرزهای کشورهای اسلامی و توجه خاص به بهره‌گیری از هر وسیله‌ای در جهت تحقق این مهم و یا طرح این معنا که «در صورت تغافل و کوتاهی دولت‌های اسلامی، وظیفه‌ی ترغیب و تحریک آنان به این مهم، برعهده‌ی تمامی مسلمانان و در واقع تمامی افراد کشور است»؛ از تلاش‌های مسلم حضرت امام علیه السلام است. امام علیه السلام براساس آرمان بلند وحدت اسلامی و همچنین با توجه به واقعیت‌های دولت‌های امروزی، طرحی را پیشنهاد می‌کنند که متوجه مقتضیات سیاسی زمانه است. در واقع این طرح جمع بین یک آرمان فوق زمانی با واقعیات زمان‌مند است و هدف از آن کسب اقتدار اسلامی برای دفاع از امت اسلامی است. بر مبنای چنین اندیشه و تفکری است که امام علیه السلام پیش‌بینی می‌کنند: دولت‌های اسلامی منطقه و حواشی آن می‌توانند یک ارتش ذخیره‌ی ده‌ها میلیونی و یک ارتش بیش از ده میلیونی تحت پرچم برای دفاع از کشورهای

اسلامی داشته باشند.

در واقع می‌توان گفت که در آغاز قرن پانزدهم هجری، جهان اسلام با تب و تاب و بیم و امید فراوان، راهی به سوی آینده‌ی روشن می‌کاود؛ راهی که با مشکلات فراوانی همچون دسیسه‌های استعمار غرب و عملکرد ضعیف و ناقص دولت‌های وابسته رو به رو است. مسلمانان، علی‌رغم گذشته‌ی پر تفرقه و تشتت چند صد سال اخیر، به دلیل آگاهی‌های جدید و در پرتو انقلاب اسلامی، به یگانگی، کسب هویت و حقوق اسلامی و احیای مجد و عظمت دیرین می‌اندیشند. با توجه به همین واقعیت‌های زمانه است که امام علیه السلام می‌فرماید:

همه‌ی اشخاصی که از ایشان کاری برمی‌آید باید خودشان را مهیا کنند. هم باید تجهیزات مهیا شود و هم قوه‌ی ایمان باید زیاد بشود (همان ۲، ۱۵۸).

ب- در سراسر جهان

مبارزه با ظلم و ستم مهم‌ترین مبنای فکری در فرهنگ استراتژیک امام علیه السلام است. از آن جا که مظلومان جهان در میان توده‌های مردمی تحت ستم قرار دارند، سخن ایشان دایره‌مدار عموم مردم جهان با صرف نظر از اعتقاد دینی آنهاست. بی‌تردید این بینش می‌تواند مبنای یک مدل حرکتی در جهان اسلام و خارج از آن قرار گیرد. بر این اساس، می‌توان تفکر مبارزه با ظلم را در میان مظلومان تبعیض نژادی، و همه‌ی مستضعفان جهان به صورت یک نهضت فکری درآورده و آن را به عنوان عنصری اساسی در فرهنگ استراتژیک، به فرهنگ سیاسی در کشورها یا مناطق خاص و به فرهنگ سازمانی در ایجاد یک مرجع نهضتی بدل کرد (کلهر، ۱۳۸۷، ۱۵).

از این رو، از نظر امام علیه السلام کار ویژه‌ی دفاعی بسیج، به ویژه در عرصه‌ی بازدارندگی، منحصر به سیاست‌های امنیتی جمهوری اسلامی نبوده و گستره‌ای فراملی و جهانی را در بر می‌گیرد.

من امیدوارم که این بسیج عمومی اسلامی، الگو برای تمام مستضعفین جهان و ملت‌های مسلمان عالم باشد و قرن پانزدهم، قرن شکستن بت‌های بزرگ و جای‌گزینی اسلام و توحید به جای شرک و زندقه و عدل و داد به جای ستم‌گری و بیدادگری و قرن انسان‌های متعهد به جای آدم‌خواران بی‌فرهنگ

باشد (صحیفه‌ی نور، ۱۳۶۹، ج ۲۱، ۵۲).

در اندیشه‌ی امام خمینی علیه السلام «بسیج حد نهایی عروج اندیشه‌ی پاک اسلامی است که در صحنه‌ی دفاع از اسلام و فرامین الهی، لباس لشکر مخلص خدا را بر تن کرده است» (صحیفه‌ی نور، ج ۲۱، ۵۲).

ایجاد توازن قوا

امام خمینی علیه السلام، به منظور مقابله با اهداف استعماری دشمنان مشترک ملل اسلامی، بر این باور بودند که کشورهای اسلامی باید از نظر قدرت و آمادگی‌های دفاعی، حداقل در ردیف قدرت‌های بزرگ قرار گیرند. «مسلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خود نمایی کنند» (روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۳۰). در این صورت است که توازن قوا به وجود آمده و موجب ترس دشمن از قدرت دفاعی مسلمانان می‌شود. «مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود... هم اکنون اگر آمریکا یک کشور اسلامی را به بهانه‌ی حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت؟...» (صحیفه‌ی نور، ج ۲۰، ۲۳۳).

ایشان با توجه به این اصل مهم است که در مورد سیاست دفاعی کشور بعد از قبول قطعنامه‌ی جنگ تحمیلی و اجرای صلح می‌فرماید:

با قبول و اجرای صلح کسی تصور نکند که ما از تقویت بنیه‌ی دفاعی و نظامی کشور و توسعه و گسترش صنایع تسلیحاتی بی‌نیاز شده‌ایم، بلکه توسعه و تکامل صنایع و ابزار مربوط به قدرت دفاعی کشور از اهداف اصولی و اولیه‌ی بازسازی است و ما با توجه به ماهیت انقلابان، در هر زمان و هر ساعت، احتمال تجاوز را مجدداً از سوی ابر قدرت‌ها و نوکرانشان باید جدی بگیریم (صحیفه‌ی نور، ج ۲۱، ۳۸).

نگاه واقع‌گرایانه‌ی امام خمینی علیه السلام به مسأله‌ی توازن قوا، اگر نگوئیم برتری قوا، واقعیتی است که دشمنان اسلام و در رأس آنها اسرائیل که در خط مقدم جبهه‌ی نبرد با مسلمانان قرار دارد، همواره تلاش کرده است از لحاظ تسلیحاتی نسبت به همسایگان برتری داشته باشد و تجهیز این رژیم به پیشرفته‌ترین سلاح‌ها

در همین راستا می‌باشد. شیمون پرز، در سال ۱۹۶۲، در مورد اهمیت برتری تسلیحاتی این رژیم می‌گوید:

وجود یک سیستم تسلیحاتی برتر بدین معناست که ما می‌توانیم صلح را بر دیگران تحمیل کنیم و موجودیت و هستی اسرائیل را به آنها بقبولانیم و به دنبال آن خواسته‌های سیاسی اسرائیل را در منطقه عملی سازیم و در نهایت با امضای موافقتنامه‌های صلح، صلح مورد نظر را بر کشورهای عربی تحمیل نماییم (حمیدی، ۱۳۸۱، ۴۱).

بر مبنای این اصل، رژیم صهیونیستی بر این باور است که باید از چنان قدرت و اقتداری برخوردار باشد که ترس و واهمه از قدرت آنان، مسلمانان و اعراب را از هرگونه اقدام نظامی باز دارد. بر این اساس هرگاه کشوری در صدد حمله‌ی نظامی به این رژیم بر آید، سازمان اطلاعاتی این رژیم باید پیش از حمله با اقداماتی نظیر ضربات پیش‌گیرانه و تهاجم پیش‌دستانه، مانع عملیات نظامی دشمن شود.

افشای ماهیت دشمن

امام خمینی علیه السلام، افشای ماهیت دشمن و تبیین نقشه‌ها و توطئه‌های او را یکی از بهترین شیوه‌ها برای تقویت جبهه‌ی مسلمین و تضعیف جبهه‌ی دشمن دانسته و بر همین مبنای یکی از راه‌بردهای اساسی خود را در جهت دستیابی به اهداف، آشکار ساختن دشمنان بشریت و نشان دادن روزنه‌های نفوذ و کمین‌گاه‌های آنان به ملت‌های تحت ستم دانسته و می‌فرماید:

انقلاب اسلامی ما تاکنون کمین‌گاه شیطان و دام صیادان را به ملت‌ها نشان داده است. جهان‌خواران و سرمایه‌داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم، و حال آن که این وظیفه‌ی ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صلا زنییم: که ای خواب رفتگان ای غفلت زدگان بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ منزل گرفته‌اید. برخیزید که این جا جای خواب نیست و نیز فریاد کشیم، سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست (صحیفه‌ی نور، ۱۳۶۹، ج ۲۰، ۲۳۷).

بی‌تردید مسلمانان در راه مبارزه و جهاد باید بر مظلومیت خود و سبیت و درندگی دشمنان یقین کامل داشته باشند. اندکی امید به دشمن می‌تواند شور و حرکت و مجاهده‌ی مسلمانان را تضعیف کند. بدین جهت است که امام خمینی علیه السلام این‌گونه هشدار می‌دهد:

مسلمانان تمامی کشورهای جهان از آن جا که شما در سلطه‌ی بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده‌اید، باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید و از وجود جوانان پر شور و شهادت طلبی که حاضرند خطوط جبهه‌ی کفر را بشکنند استفاده نمایید، به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید، بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید که عزت و حیات در سایه‌ی مبارزه است (همان، ۲۳۲).

نترسیدن از دشمن

از جمله ترس‌هایی که دشمن برای ترس و تطمیع ملت‌ها به کار می‌برد، بزرگ جلوه دادن قدرت کاذب خود و ایجاد خوف در دل آنان است تا ملت‌ها بر اساس ترس از خشم و غضب قدرت‌های بزرگ فکر مبارزه و جنگ با آنان را در سر خود نپروانند. از این رو، امام خمینی علیه السلام نترسیدن از دشمن بر مبنای انگیزه‌ی خداگرایی را یکی از روش‌های مؤثر در تحقق اهداف می‌داند و می‌گوید:

این‌ها به واسطه‌ی تبلیغات‌شان ایجاد خوف کرده بودند که با همین خوف کارهای خودشان را انجام می‌دادند، بیشتر مردم به واسطه‌ی این خوف کناره می‌گرفتند و بی‌تفاوت می‌شدند و می‌ترسیدند (روزنامه اطلاعات، ۱۳/۸/۱۳۵۹).

بدین جهت است که خطاب به تمامی محرومان و مستضعفان می‌فرماید: شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان پناهنده و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابر قدرت‌ها و عمال سرسپرده‌ی آنها نترسید ... (وصیت‌نامه‌ی سیاسی و الهی امام خمینی، ۱۳۶۸).

مقاومت و پایداری

صبر و استقامت و تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها در راه خداوند و انجام وظیفه،

یکی از صفات برجسته‌ی پیامبران اولوالعزم علیهم‌السلام بوده است. قرآن کریم با تصریح به این مطلب خطاب به نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (احقاف، ۳۵)؛ صبر کن همان گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند.

بی‌تردید نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مأموریت داشت تا بشریت را از ظلمات شهوت و جهالت و استبداد و پرستش‌بت‌ها و تعصبات نژادی و طبقاتی رهایی بخشد. این مهم جز در سایه‌ی صبر و استقامت و پایداری هرگز مسیر نبود. مشکلات فراوانی بودند که بر سینه‌ی آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سنگینی می‌کرد، اما آن شخصیت والامقام تمامی آنها را با سلاح ایمان و توکل به خدا و مقاومت و پایداری پشت سر می‌گذاشتند. در باور امام خمینی ره ملت ایران با تاسی و الگوگیری از چنین پیامبری پا در میدان مبارزه و دفاع از ارزش‌های اسلامی گذاشت و این باور را به دنیا فهماند:

آنچه را که ملت ما به دنیا ثابت کرد این بود که می‌شود با ایمان و عزم و تصمیم راسخ بر قوای شیطانی غلبه کرد.

اگر بند بند استخوان‌های مان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله‌های آتشیان بسوزانند، اگر زن و فرزند و هستی مان را در جلو دیدگان مان به اسارت و غارت برند، هرگز امان‌نامه‌ی کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم (روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۷/۴/۲۹).

اعتماد به نفس و خودباوری

تاریخ نشان از آن دارد که مسلمانان عصر رسالت با فقدان ساز و برگ نظامی و با دستی تهی از مال و منال دنیایی، ولی در اثر پای‌بندی به ارزش‌های الهی بهترین امت شدند، و به سبب آن دارای تفوق فرهنگی گشتند، و در نتیجه مورد احترام و بزرگ‌داشت دیگران قرار گرفتند، و مهابتشان بر دل‌ها نشست. از این رو، اولین و آخرین حرف را مسلمانان می‌زدند. به تعبیر زیبای امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه: «... و کانت امورالله علیکم ترد و عنکم تصدر و الیکم ترجع» (شهیدی، ۱۳۷۹، ۹۹)؛ امور خدا بر شما وارد و از شما صادر می‌شد و به شما برمی‌گشت.

اما این عزت و عظمت، به تدریج در اثر فقدان غیرت نسبت به نقض پیمان‌های الهی و فاصله گرفتن از آموزه‌های وحی آسمانی و غلطیدن به سوی ارزش‌های مادی، و طرح قومیت‌ها و حزب‌گرایی و گرایش‌های ناصحیح سیاسی، آن شخصیت معنوی انسانی را از دست دادند و راه را برای سلطه‌ی بیگانگان باز کردند و تا آن جا پیش رفتند که بیگانگان در بلاد اسلامی استقرار یافتند و فعال‌مآی‌شاء گشتند. سرزمین‌های اسلامی را متصرف و در خانه و کاشانه‌ی مسلمین اقامت گزیدند و به اسلام زدایی درونی پرداختند. و باز به تعبیر علی علیه السلام «فمکنتم الظلمة من منزلتکم و القیتم الیهم ازمتکم و اسلمتم امورالله فی ایدیهم ...» (همان)؛ ستم‌گران را در خانه‌ها تان تمکین داده و مستقر نمودید و افسار تان را به آنان دادید و امور الهی را در دستان آنان گذاشتید.

بدین جهت که امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرماید:

اگر دول اسلامی و ملل مسلمان به جای تکیه به بلوک شرق و غرب، به اسلام تکیه می‌کردند و تعالیم نورانی و رهایی بخش قرآن کریم را نصب‌العین خود قرار داده و به کار می‌بستند، امروز اسیر تجاوزگران صهیونیسم و مرعوب فانتوم آمریکا و مقهور اراده‌ی سازش‌کارانه و نیرنگ بازی‌های شیطانی ... واقع نمی‌شدند. ... اطمینان داشته باشید که اگر بخواهید می‌شود.

خودباوری، خوداتکایی و اعتماد به نفس به عنوان یک نماد بارز از رهیافت واقع‌گرایانه و استراتژی بسیار مهم و با ارزش امام خمینی رحمته الله علیه در مسأله‌ی راه‌بردهای دفاعی است. ایشان با همه‌ی وجود اعتقاد داشت که مسلمانان، به ویژه مردم ایران، از توانایی خوبی برخوردارند و لذا در هر فرصتی که به دست می‌آمد سعی در تقویت این باور در مردم و از بین بردن روحیه‌ی خود باختگی می‌نمود. نتایج مثبت این تفکر در تمام مقاطع و صحنه‌های تعیین‌کننده‌ی انقلاب از روزهای مبارزه برای پیروزی انقلاب، جنگ تحمیلی و دوران سازندگی به روشنی به چشم می‌خورد. خود در این باره می‌فرماید:

شما در این مدتی که انقلاب کردید و قیام کردید، خودتان باورتان آمده و به دولت‌های مستضعف و ملت‌های مستضعف هم باوراندید که می‌شود در مقابل امریکای جهان‌خوار و شوروی جهان‌خوار ایستادگی کرد. ... اساس باور این دو مطلب است، باور ضعف و سستی و ناتوانی و باور قدرت و قوه

و توانایی. اگر ملت این باور را داشته باشد که ما می‌توانیم در مقابل قدرت‌های بزرگ بایستیم، این باور اسباب این می‌شود که توانایی پیدا می‌کنند و در مقابل قدرت‌های بزرگ ایستادگی می‌کنند (صحیفه‌ی نور، ۱۳۶۹، ج ۱۴، ۱۹۴).

بر مبنای این خود باوری و اتکای به خود است که می‌فرماید:

ما ایستاده‌ایم در مقابل دفاع از کشور خودمان و دفاع از اسلام عزیز، در مقابل هر مهاجم. مهاجم هر که می‌خواهد باشد، می‌خواهد ابر قدرت باشد، می‌خواهد قدرت کم، فرقی در نظر ما نیست. ما واجب است برایمان دفاع کنیم از نوامیس اسلام و نوامیس خودمان و دفاع کنیم از کشور اسلامی خودمان و تا مادامی که در حال دفاع هستیم، با هر قدرتی که بخواهد حمله بکند بر ما، مقابله می‌کنیم و هیچ هراسی نداریم (صحیفه‌ی نور، ۱۳۶۹، ج ۱۷، ۲۳۱).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در بخش اول، به این نتیجه رسیدیم که امام علیه السلام در اندیشه‌ی دفاعی خود رویکرد کاملاً دینی را برگزیده و روح مبارزه و حفظ انگیزه‌ی دفاعی را تبلور آرمان‌های دین و دینداری می‌دانند. بر مبنای همین رویکرد، راه‌بردهایی را انتخاب نمودند که نتیجه‌ی آن عمل به وظیفه و در نهایت پیروزی را در پی داشت.

ما افتخار می‌کنیم که در این نبرد طولانی و نابرابر فقط با تکیه بر سلاح ایمان و توکل بر خدای بزرگ و دعای بقیة الله علیها السلام و اعتماد به نفس و همت دلاور مردان و شیر زنان صحنه‌ی کارزار به پیروزی رسیده‌ایم (صحیفه‌ی نور، ۱۳۶۹، ج ۲۰، ۱۱۹).

در بخش دوم، با دست‌یابی به این نتیجه که انتخاب راه‌بردهای واقع‌گرایانه در اندیشه‌ی دفاعی ایشان توانست آرمان بلند کسب اقتدار اسلامی را برای تحقق دین خدا و پیروزی ارزش‌های اسلامی در دفاع مقدس هشت ساله در جهان به اثبات برساند. به تعبیر خود ایشان «جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند ... صدای اسلام خواهی افریقا از جنگ هشت ساله‌ی ماست ... علاقه‌ی به اسلام شناسی مردم در آمریکا و



اروپا و آسیا و آفریقا، یعنی کل جهان، از جنگ هشت ساله‌ی ماست» (ر.ک. به: صحیفه‌ی امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ۲۸۳).

امام علیه السلام، با تکیه بر این تجربه‌ی گران قدر است که دلیلی برای عدول نظام اسلامی از آرمان‌های به حق خود نمی‌بیند و معتقد است: جمهوری اسلامی ایران نباید تحت هیچ شرایطی از اصول و آرمان‌های مقدس و الهی خود دست بردارد (صحیفه‌ی نور، ۱۳۶۹، ج ۱۹، ۲۴۲).

منابع و مأخذ

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) امام خمینی (۱۳۶۹)، صحیفه‌ی نور، تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی.
- ۳) امام خمینی (۱۳۷۸)، صحیفه‌ی امام، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار.
- ۴) امام خمینی (بی‌تا)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، قم، انتشارات آزادی.
- ۵) نوری، حسین (۱۳۸۳)، مستدرک الوسائل، تهران، المکتبه‌الاسلامیه.
- ۶) ابن ابی الحدید، عزالدین عبدالحمید (۱۳۷۸ هـ)، شرح نهج البلاغه، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، دار احیاء الکتب العربیه.
- ۷) دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه‌ی نهج البلاغه، قم، انتشارات پرهیزکار.
- ۸) مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۴)، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۹) کلهر، رضا (۱۳۸۷)، نهضت‌های بسیجی و بسیج نهضت‌ها...، فصلنامه‌ی مطالعات بسیج، ش ۴۰.
- ۱۰) حمیدی، قناص (۱۳۸۱)، جایگاه تسلیحات هسته‌ای اسرائیل، ترجمه‌ی اسماعیل اقبال، تهران، دانشگاه امام حسین.
- ۱۱) شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۹)، نهج البلاغه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، هفدهم.
- ۱۲) روزنامه‌های جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۹ و ۱۳۶۷/۴/۳۰ و اطلاعات، ۱۳۵۹/۸/۱۳.
- ۱۵) وصیت‌نامه‌ی سیاسی و الهی امام خمینی (۱۳۶۸)، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.